

دنیا فیلم کمدی را در برابر کلیت آن سینما قرار نمی‌دهند. چرا در مورد سینمای ایران طوری می‌گویند «فیلم کمدی» که انگار بقیه سینمای ایران عبوس است و دارد گریه می‌کند؟! آیا «جنگل پر تال»، «تی تی»، «آهو»، «در آغوش درخت»، «چرا گریه نمی‌کنی؟» و ده‌ها فیلم دیگر، فیلم‌های عبوسی هستند؟!

و اساساً وقتی ما عبارت «فیلم کمدی» را در خصوص فیلم‌های به نمایش درآمده در سال ۱۴۰۲ یا ۱۴۰۳ به کار می‌بریم، باید دقت کنیم که طبیعتاً این عبارت با کمدی‌هایی که در سالیان دورتر در ایران می‌ساختند، تفاوت دارد. مثلاً «چاره‌نشین‌ها» یک فیلم کمدی بود، «نان، عشق، موتور هزار»، «مارمولک»، «پنگ غنبر»، «دایره زنگی»، «ورود آقایان ممنوع»، «پسر آدم دختر حوا»، «آتش بس»، «از دواج به سبک ایرانی»، فیلم‌هایی کمدی بودند.

الان باورش سخت به نظر می‌رسد! اما این‌ها کمدی‌های سینمای ما بودند. و در کنار آن‌ها، ده‌ها و صدها فیلم کمدی و جدی و اجتماعی و انتقادی دیگر بود. اما پدیده‌ای که ما الان به عنوان فیلم کمدی با آن مواجه هستیم یک نوع فیلم پوچ و تو خالی است که فقط به دنبال مسرور کردن لحظه‌ای تماشاگران است و بیشتر شبیه به یک جور مطربی است که می‌خواهد با آواز و رقص یک دقیقه‌ای، یک احوالاتی را به مخاطبش بدهد و بعد هم تمام.

و می‌رسیم به این پرسش پر بیم و هراس! آیا در شرایط فعلی تشکیلی، موظفی، مکلفی وجود دارد که این وضعیت را به سامان برساند؟ آیا قدرت قاهره‌ای وارد این کارزار خواهد شد که به امارت و سلطنت این کمدی‌های سطح پایین،

که از میانه دهه ۱۳۸۰ ابتدا طفیلی این سینما بودند و حالا سرخیل و سردسته سینما شده‌اند، پایان دهد؟ آیا اهتمام جدی و جمعی برای این مهم وجود دارد؟

اشاره شما به نیاز جامعه به فیلم کمدی اشاره درستی است و نمایش موفقیت‌آمیز «فسیل» هم یک موفقیت همه‌جانبه بود؛ اما چرا باید امتداد چنین موفقیتی به شکست منجر شود؟!

شاید قصدی برای تغییر دادن این مسیر، وجود ندارد.

عبارت تاریخی پسر آوازه‌ای وجود دارد که می‌گوید «تراژدی همیشه بالاتر از کمدی است!» منظور گوینده بالا بودن عیار التفات به تراژدی، نه تنها نزد داوران سخن و هنر، بلکه در پیشگاه مردم بوده. الان چه اتفاقی افتاده که به شکلی گفته و ناگفته نزد متصدیان سینمای ایران، کمدی جایگاهی بالاتر از تراژدی پیدا کرده؟ چرا هیچ جای دنیا کمدی حتی در پر جلاترین شکل خود، صاحب چنین جاه و جلالتی نیست که بتواند این چنین در رقت‌بارترین شکل خود، عرصه راز گونه‌های دیگر خالی کند؟!

از نظر من حمایت پیدا و پنهانی که از نیمه دهه ۱۳۸۰ در سینمای ایران از فیلم کمدی، حتی در پیش پافتاده‌ترین فیلم‌های این قماش وجود دارد، برگرفته از نکته دیگری است. از مسئله‌ای که اذعان و آگاهی نسبت به آن می‌تواند سرچشمه رفع بسیاری از سوء تفاهات باشد و آن نکته این است که باید بدانیم اساساً وظیفه تاریخی هنرمند در تمام دوران‌ها و دیارها این بوده که وقتی به اصطلاح جارچی می‌گوید: «شهر در امن و امان است، همه آسوده بخوابید»؛



قاعداً بخشی از موقعیتی که در آن قرار داریم به سیاست‌گذاری در وزارت ارشاد مربوط می‌شود. حقیقتش را بخواهید من وزیر ارشاد فعلی را وزیر خوبی می‌دانم. به نظرم وزیر است که به خاطر نرم‌خویی، ملاطفت و آرامشی که در وجودش هست و ارتباطات خوبی که با وزارتخانه‌های دیگر دارد، می‌تواند سینما را متحول کند و به یک وفاق ملی برساند

به این معنا شک کند. چون ذات هنرمند چه کارگردان باشد، چه نویسنده، چه هنرپیشه، چه نقاش، چه آوازه‌خوان؛ با حساسیت سرشته شده است. هنرمند طوری تربیت نشده که نسبت به رخدادهای جهان پیرامونش بی‌اعتنا باشد، یا بخواهد با مماشات و حرف‌های دوپهلوی مواجهه با مسائل و مصائب برود. هنرمند عافیت‌طلب نیست، اما برانداز و دشمن هم نیست؛ این را مطمئن باشید. وجود همین سوء تفاهم تاریخی و عدم درک صحیح از مرتبه و مقام تاریخی هنرمند، باعث شده گرایش‌هایی جدی مبنی بر تخفیف و تصغیر هنرمند شکل بگیرد. چون هنرمند را درک نمی‌کنند، نسبت به او بی‌اعتمادند و چون اعتماد ندارند، تصور می‌کنند هنرمند بیگانه و برانداز است و چون نمی‌توانند غریبه و اجنبی و ناآشنا و نامحرم بنامندش، تلاش می‌کنند جایگاه و تعبیر «هنرمند» را به «سلبریتی» تغییر دهند. کمالین که در طول یک دهه اخیر هم این کار را کرده‌اند. در واقع عده‌ای می‌خواهند با تغییر لفظ «هنرمند» به «سلبریتی» ماهیت غمخوارانه و دلسوزانه هنرمند را به شخصیتی صرفاً صاحب‌شهرت تقلیل دهند.

وقتی این جریان قوام می‌گیرد، اصولاً نسبت به هر فیلم متفکرانه‌ای و لو این که دارای جنبه‌های تجاری هم باشد، یک نوع تردید و بدبینی به وجود می‌آید؛ در نتیجه از یک سو فکر می‌کنند بهتر است فیلم‌هایی که بی‌خطرتر و مفرح‌تر هستند و فلان کارگردان یا فلان هنرپیشه یا فلان شخصی که در مورد فلان مسئله اجتماعی اتخاذ نکرده در آن بازی می‌کند، این فیلم روی پرده اکران بیاید. از این

